

درگذشت تاراچند عالم و محقق بزرگ

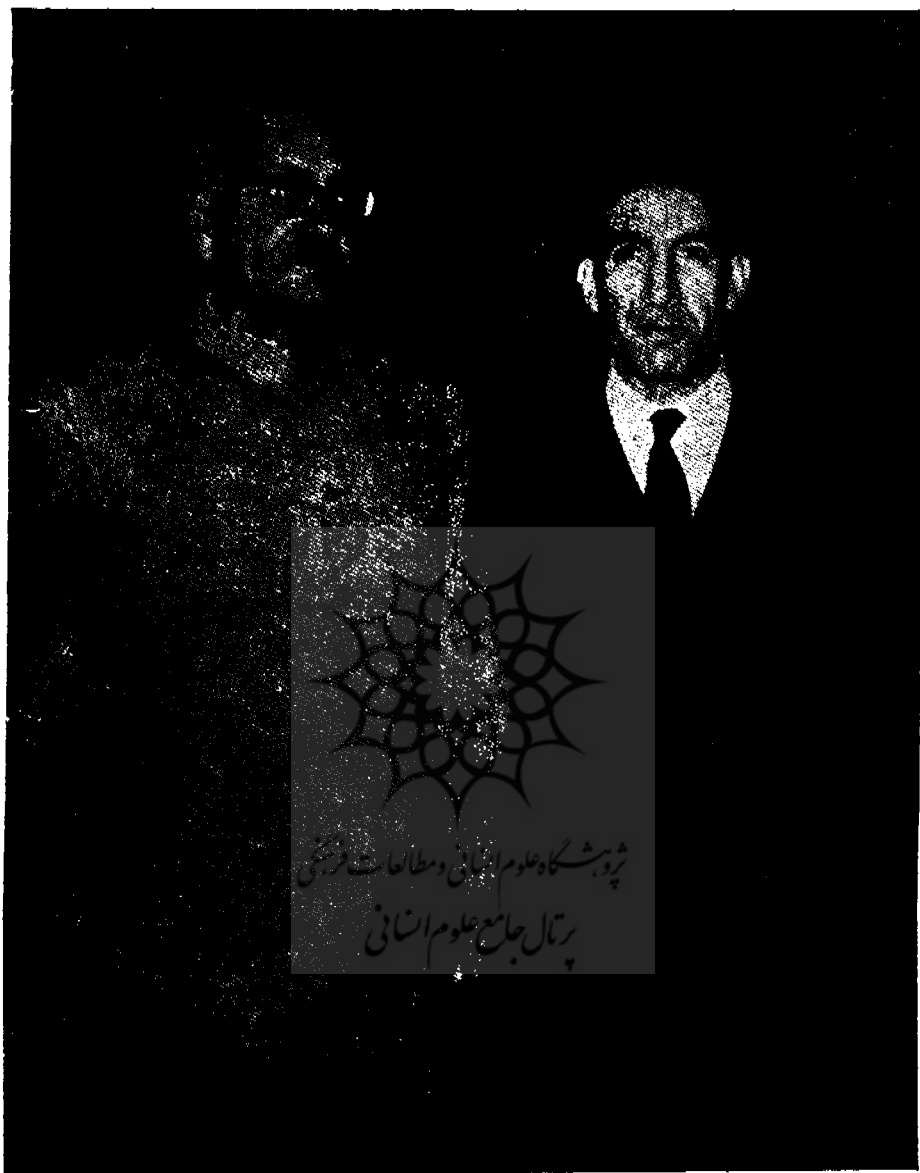
سفیر اسبق هند در ایران

دو هفته قبل دکتر تاراچند علامه بزرگ هندوستان و دوست ارجمند ایران و استاد افتخاری دانشگاه تهران و سفیر اسبق هند در دربار شاهنشاهی در سن هشتادوپنج سالگی در شهر الله آباد - آنجا که دو رودخانه گنگه و جمنا به هم می پیوندند و برای هندوان محل مقدسی است - بدرود حیات گفت .

مرگ این عالم برجسته هندی جمع کثیری از مردم هند و ایران را که به اخلاق حمیده و صفات پسندیده و سجایای ملکوتی و وفور دانش و خدمات ممتد فرهنگی و انسانی او واقف بودند ، با اندوه فراوان مواجه ساخت .

دکتر تاراچند بیشتر عمر خود را صرف تحصیل و تعلیم و تربیت نسل جوان و نشر معارف کرد و حتی در سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۶ میلادی که در دربار شاهنشاهی ایران به سمت سفیر کبیر دولت جمهوری هند انجام وظیفه می کرد قسمتی از وقت خود را به تصحیح و تحشیه و تعلیق پنجاه اوپانیشاد با همکاری اینجانب اختصاص داده بود و اشتغال به امر فرهنگی را بر هر خدمت دیگر رجحان می داد .

تاراچند هندویی بود موحد ، فارغ از هر گونه تعصب و کوته نظری - و مردی متواضع و آرام ، مهربان ، راستکار و راست گفتار ، مؤدب ، رفیق



بیر لب بحر فنا منتظرم ای ساقی
فرستی دان که ز لب تا به دهان اینهمه نیست
(حافظ)

خوش بیان ، دارای حافظه قوی و محفوظات بسیار . نویسنده و محقق عالیقدر و پرکار و توانا و فیلسوفی عمیق و مورخی امین ، جامع علوم قدیم و جدید و حلقه اتصال نسل کهنه و نو . او نه تنها در سراسر هندوستان شاخص بود ، بلکه در مراجع بین المللی نیز عالمی برجسته شناخته می شد ، به مال و جاه توجهی نداشت ولی حریص در جمع علم و دانش بود .

در سال ۱۸۸۸ میلادی در شهر سیالکوت که اکنون جزء کشور پاکستان است به دنیا آمد . پدرش در فرهنگ خدمت می کرد و هنوز تاراچند دوران کودکی خود را می گذراند که از سیالکوت به گجرات انتقال یافت . چندی در گجرات و سپس به لاهور و بعد از آن به دهلی و میرت مأمور شد و تاراچند هم قهراً همراه پدر و خانواده خویش از شهری به شهری رفت . دوره ابتدائی را در گجرات خواند و در لاهور و دهلی مدرسه متوسطه را طی کرد و دوره دانشگاه را در دانشکده میرت و دانشکده مرکزی میور الله آباد گذراند و آنگاه برای تکمیل دانش خود به انگلستان رفت و از دانشگاه آکسفورد (دانشکده کوئینز) به دریافت دانشنامه دکتری نائل آمد .

دکتر تاراچند بعد از اتمام تحصیلات خود در انگلستان به هند مراجعت کرد و به تدریس پرداخت نخست به استادی دانشکده « کایسته پاتشالا » در الله آباد برگزیده شد و سپس به ریاست دانشکده مذکور انتخاب گردید و از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۵ در آن مقام باقی ماند .

از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ میلادی با سمت استاد علوم سیاسی در دانشکده الله آباد تدریس می کرد و در سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۸ به ریاست دانشگاه الله آباد انتخاب شد . در جریان مبارزات مردم هندوستان برای آزادی در زمره پاران گاندی درآمد ، با جواهر لعل نهرو رهبر مقتید هند دوست نزدیک و

همشهری بود زیرا تاراچند موطن خود را شهر الله آباد همان شهری که نهر و در آنجا به دنیا آمد، قرار داده بود.

چون مردم هندوستان استقلال خود را بازیافتند و شبه قاره هند به دو کشور هند و پاکستان تقسیم گردید همچنان خدمات فرهنگی خود را دنبال می کرد.

چندی ریاست کنگره تاریخ هند را بعهده داشت و سپس به معاونت وزارت فرهنگ هند (در زمان وزارت مولانا ابوالکلام آزاد) منصوب شد. و پس از سه سال خدمت (۱۹۵۱ - ۱۹۴۸ میلادی) در آن مقام به سمت سفیر کبیر هند در دربار شاهنشاهی برگزیده شد و از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۶ در ایران انجام وظیفه می کرد.

تاراچند در دوران خدمت خود در ایران برای بسط روابط سیاسی و بازرگانی و فرهنگی بین ایران و هند صمیمانه کوشید و هنگام سفارت او در ایران و سفارت جناب آقای علی اصغر حکمت در هند شالوده روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران ریخته شد و قراردادهای فرهنگی و مقاله نامه هائی بین ایران و هند مبادله گردید.

او در نخستین بازدید رسمی اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر از هند در التزام رکاب بود.

دکتر تاراچند ایران را پس از هند وطن خود می دانست و به فرهنگ و ادب فارسی علاقه و توجه مخصوص داشت. بمبارت دیگر ایران وطن دوم او بود. در اثر مساعی او و مولانا ابوالکلام آزاد و استاد علی اصغر حکمت خانه ایران در هند بنیان نهاده شد و انجمن روابط فرهنگی هند و ایران به وجود آمد.

پس از مراجعت از ایران دکتر تاراچند به ریاست انجمن فرهنگی ایران و هند برگزیده شد و تا حیات داشت این سمت را همچنان حفظ کرد. ناگفته نماند که دکتر تاراچند بعد از خاتمه خدمتش در تهران به نمایندگی مجلس سنا (راج سبها) بعنوان سناتور فرهنگ هند منصوب شد و علاوه بر آن ، ریاست عالیہ اسناد ملی هند را نیز عهده دار بود .

دکتر تاراچند کتاب های زیادی تألیف و تدوین و تصحیح کرده و از آن میانه است :

- ۱- تاریخ مختصر مردم هند .
- ۲- نفوذ اسلام در تمدن هند .
- ۳- تاریخ فلسفه شرق و غرب .
- ۴- رشد افکار اسلامی در هند .
- ۵- تاریخ نهضت آزادی هند در چهار مجلد .
- ۶- کشور و اجتماع در دوره مغل (گورکانیان هند) .
- ۷- تصحیح و تحشیه پنجاه اوپانیشاد با همکاری جلالی نائینی در فلسفه و علم کلام هندو .
- ۸- تصحیح و تحشیه تذکره سکینه الاولیاء با همکاری جلالی نائینی .
- ۹- تصحیح و تحشیه کتاب مشهور یوگاواسیسته (جوگه بسشت) در عرفان هندو .

تاراچند دو فرزند (یک پسر و یک دختر) دارد . پسرش قاضی دادگاه عالی الله آباد است .

الله آباد یکی از مراکز مهم قضائی هند است . جواهر لعل نهرو در مقر همین دادگاه وکالت می کرده است .

این نکته لازم به یاد آوری است که پس از پایان مأموریت سیاسی تاراچند

در ایران در سال ۱۹۵۸ به دعوت دانشگاه تهران به ایران آمد و به پاس خدمات فرهنگی اش به زبان و ادب فارسی درجه دکتراى افتخارى گرفت .

در سال ۱۹۵۰ هنگام جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران نیز به ایران دعوت شد ولی ضعف مزاج و ناراحتی قلبی مانع حرکت و شرکتش در این جشن شد .

آخرین دیداری که از دکتر تاراچند در الله‌آباد بعمل آوردم در اردیبهشت سال ۱۳۵۲ جاری بود . او دیگر نمی‌توانست از خانه بیرون بیاید و فقط در خانه خود راه می‌رفت و حرکتی می‌کرد ولی قوه فکری و حافظه و استنباطش همچنان باقی بود . چهارماه قبل در حمام می‌افتد و پایش می‌شکند و هر چند شکستگی پاهای او بهبود می‌یابد ولی ناراحتی قلبی برای او باقی میماند تا اینکه دو هفته قبل دعوت‌حق را لبیک اجابت می‌گوید .

آخرین باری که در دهلی نو به خانه ایران و در جلسه انجمن روابط فرهنگی هند و ایران شرکت می‌کند ، پس از پایان جلسه هنگام خداحافظی از اعضای انجمن این بیت حافظ را می‌خواند :

سر لب بحر فنا منتظرم ای ساقی

فرستی دان که زلب تا به دهان اینهمه نیست
برای من مرگ دکتر تاراچند بسیار غم‌انگیز است . زیرا از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۳ میلادی و بیش از بیست سال با او در نشر فرهنگ مشترك ایران و هند همکاری داشتم و از خرمن فضل و دانش وی بهره‌مند شده‌ام و اکنون استاد و راهنمایی بزرگ و برجسته را از دست داده‌ام ، استادی که حتی در سراسر هند به جامعیت و کثرت محفوظات و شخصیت و احترام و اعتبارش مانند‌ی نیست ، خدایش رحمت کناد .